

سبک آموزش



سوداگران آموزشی پدر و مادرها را معتاد کرده‌اند

والدین بلا تکلیف در برابر تکلیف درسی بچه‌ها

مریم ترابی

تسام کودکی و دوران مدرسه برای ما به انجام تکالیف و مشق شب‌هایی گذشت که هیچ فایده‌ای بر ایمان نداشت جز خستگی و دلزدگی از درس و مدرسه! نظام آموزش و پرورش تمام دوران‌ها به شدت معتقد بود که مشق شب از هر فعالیت دیگری واجب‌تر است. پس نهی از انجام آن مانند گناه کبیره‌ای بود که همه از عذاب آن هراس داشتند. تا همین سال‌های اخیر هم نظام آموزشی کشور بر نظریه مشق شب خود اصرار داشت و حتی کوچک‌ترین نر مشی در این خصوص از خود نشان نمی‌داد تا اینکه برخی معلمان دلسوز و اهل مطالعه و همچنین کارشناسان اهل فنی که برای پیشرفت و تحول نظام آموزشی کشور دل می‌سوزانند و نگاهی هم به نظام آموزشی

والدینی که تکلیفشان را نمی‌دانند

در این میان دسته‌ای از والدینی را داریم که همیشه نگران آینده فرزندانمان هستند و در سبزه کاری بهتر است انجام دهیم؟» گیسر افتاده‌اند. در واقع آنها نمی‌دانند کدام روش آموزشی بهتر است تا آن را برای فرزندانمان انجام دهند. آموزش بدون تکلیف و عاری از کتاب‌های کمک درسی و یا سبک آموزشی سختگیرانه به همراه تکالیف بسیار و با استفاده از کتاب‌های کمک درسی؟ پدر و مادر دانش آموز نوجوانی را می‌شناسم که از مقطع ابتدایی تمام وقت و زندگی فرزند خود را با برنامه‌های فشرده تحصیلی پر کرده بودند اکنون بشیمان از این شرایط هم نگران خستگی و انزواطلبی فرزندان هستند و هم نگران کم بودن میزان آموزش در مدرسه جدید. در واقع آنان به نوعی بلا تکلیف هستند. از یک طرف همیشه ناراحت هستند که فرزندشان کودکی نکرده و تمام دوران دبستان را تا

سر نوشت فرزندان ما وصل به ۲ ساعت کنکور!

دختر نوجوانی که تمام دوران تحصیل خود را درس خوانده و تمام کتاب‌های کمک درسی معتبر را به همراه اساتید معروف و نامی دروس تخصصی دوره کرده تا در کنکور با کسب بالاترین رتبه بتواند بر روی صندلی‌های دانشگاه پزشکی بنشیند فقط به دلیل استرس و خستگی بیش از حد نتوانست در کنکور اسمال رتبه قابل قبولی بیابد و تمام

زحمات یک عمر درس خواندنش به فنا رفت. او ناراحت و شوکه از این اتفاق، از زندگی ناامید شده و تصور می‌کند دیگر نمی‌تواند هیچ کاری انجام دهد. او می‌گوید: «سر نوشتم با استرس بیش از حد در دو ساعت به نابودی رفت. تمام زحمات‌ها و شب‌نهداری‌های سال‌های تحصیلم در دو ساعت به فنا رفت. من به قدری خسته‌ام که حتی نمی‌توانم به درس خواندن فکر کنم. تمام عمر تحصیلم به تست زدن گذشت. تمام تفریحاتی که م‌ه‌سن و سال‌هایم داشتند را بر خودم حرام کردم تا قبولی در رشته پزشکی برای خودم آینده خوبی رقم بزنم اما حالا هیچی برایم نمانده جز یک اتاق پر از کتاب و جزوات تستی و دوغ و روانی خسته و ناامید از زندگی.»

غول کنکور همان هیولایی است که تمام نوجوانی و جوانی فرزندان جامعه را می‌بلعد،

با حذف مشق شب، کودکی را به کودکانان برگردانیم

ظاهراً آموزش و پرورش بالاخره تصمیم گرفته که دست این دلالان آموزشی را کوتاه کند. از مقطع ابتدایی شروع و در اولین

قدم مشق شب را از برنامه مدارس ابتدایی حذف کرده است. البته همین اقدام کاسیان درسی را بسیار نگران کرده است اما چرا این گروه سودجو نگران شده‌اند؟ خب همان ططور که همه

می‌دانیم این کتاب‌های کمک درسی در مقاطع ابتدایی هم توزیع می‌شود و بالطبع همین کتاب‌ها تکالیفی را هم به همراه دارد. حال با این تصمیم به مرور تدریس کتاب‌های کمک درسی در دبستان کم و کمتر تا جایی که دیگر تدریس آن ممنوع می‌شود پس با این شرایط بخشی از درآمد این سودجویان حذف خواهد شد.

حالا ما والدین در قبال این تصمیم آموزش و پرورش چه وظیفه و مسئولیتی داریم. همه می‌دانیم که برای داشتن

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

د

آیا در زمان‌های گذشته–منظور زمان‌های بسیار دور نیست همان دوران کودکی و نوجوانی خود ما والدین امروزی– این همه کتاب‌های کمک درسی وجود داشت؟ آیا ما بدون کتاب‌های کمک درسی وارد دانشگاه‌های معتبر کشور نشدیم؟ یا اینکه امروزه کتاب‌هایی که آموزش و پرورش منتشر می‌کند برای آموزش کافی نیست که این همه آموزشگاه‌های مختلف و کتاب‌های کمک درسی‌های سنگین ایجاد شده است؟ اصلاً قرار است فرزندان ما با این همه کتاب و درس‌های سنگین و مشق‌های تلنبار شده بر روی هم، به چه چیزی برسند

رفته و دست به دامان علما و مراجع شده‌اند تا از این طریق بتوانند جلوی حذف مشق شب از مقطع ابتدایی که در دستور کار آموزش و پرورش قرار گرفته است، را بگیرند.
کاری بس عجیب و غیر قابل باور! سودجویانی که کودکی کودکان جامعه را فدای منفعت خود می‌کنند و این باور اشتباه را در جامعه و در ذهن اولیا ایجاد کرده‌اند که برای موفقیت فرزندانان در کنکور و دانشگاه باید از مقطع ابتدایی برای آنها سرما به گذاری کنید.
کجای دنیا این همه سودجوی آموزشی وجود دارد که در کشور ما هست؟ هیچ چا خبری از این دلای‌های آموزشی نیست. متأسفانه عده‌ای از والدین هم به اشتباه و فقط از روی ناآگاهی خود آب در آسیاب این دلالان می‌ریزند و کودکی فرزندانشان را فدای یک باور غلط و اشتباه می‌کنند.

دسته از والدین با تفکرات سختگیرانه خود، هم به فرزندان آسیب می‌زنند، هم به سود و منفعت بسیاری دبیرستان، نگران هستند که این آموزش‌ها کافی نیست و باید بیشتر و بهتر باشد. چرا؟ زیرا آینده فرزندانشان به درس و کتاب‌های کمک درسی و تست‌زنی و… وصل است و اگر در این سال‌ها کم کاری شود معلوم نیست که در زمان کنکور فرزندان نتیجه دلخواه را می‌تواند به دست بیاورد یا خیر. بیچاره این دسته از والدین هم نمی‌خواهند فرزندان سختی بکشند و از دوران زندگی‌اش هیچ لذتی نبرد کم نگران هستند که مبادا از این رقابت فرزندان عقب بماند و در آینده نتیجه دلخواه آنها را نگیرد. والدین بلا تکلیفی که خود و فرزندانشان را آزار می‌دهند.

معمولاً والدین هیچ‌گاه نظر فرزندان را درباره درس و تحصیل نمی‌پرسند، چون تصور می‌کنند دلیل نندار از او هم درباره زندگی و تحصیلش نظر کی بپرستند، چون معتقدند صلاح فرزندان را بهتر از او می‌دانند. این همان هیولایی که هدف اکثر والدین و فرزندانشان رد شدن از سد آن است. بالطبع تمام این بازار آشفته تحصیلی هم زاینده این طرز تفکر است. همه در تکاپوی رقابت تحصیلی برای قبولی یا برنده شدن در مارا تن کنکور هستند. والدین بدون در نظر گرفتن شرایط سنی، روحی و ذهنی فرزندانشان فقط به برنده شدن فکر می‌کنند. در این میان آموزشگاه‌های بزرگ و مطرح از این گل آلود ماهی‌های بزرگی می‌گیرند. با چاپ کتاب‌های کمک درسی و دلال‌یازی و نفوذ در دل وزارت آموزش و پرورش کار را به جایی رسانده‌اند که استفاده از کتاب‌های کمک درسی در بسیاری از مدارس به یک الزام تبدیل شده است. خب این همه فشار قرار است به چه نتیجه‌ای برسد؟ نتیجه قرار است با چه بهایی به دست بیاید؟ بسیاری از کارشناسان و معلمان فریادها درهاند که دست دلالان آموزشی را از نظام آموزشی کوتاه کنید. وازه پرورش را به نظام آموزش و پرورش برگردانید و حفظیات محوری را از دور خارج کنید اما ششیده‌ها حاکی از این موضوع است که نفوذ سودجویان تحصیلی در دل وزارت آموزش و پرورش تا جایی است که در تدوین مباحث کتاب‌های درسی نیز دخالت کرده و این مباحث را به نحوی تنظیم کرده‌اند که برای یادگیری آنها حتماً به انجام تست‌های کمک درسی نیاز است. با این نفوذ سودجویان چه باید کرد؟



که از پس ساده‌ترین کارهای خود هم برنیاید؟ اگر ما والدین به رشد صحیح و سالم کودکان خود اهمیت می‌دهیم باید به سلامت جسم و روح کودکانمان نیز بیشتر توجه داشته باشیم. فقط کافی است دوران دبستان خود را به یاد بیآوریم. چقدر خود ما از مشق شب‌های زیاد خسته و درمانده می‌شدیم. تمام آن مشق شب‌ها به چه در ما می‌خوردند؟ غیر از این بود که همیشه از شروع مدرسه ناراحت و نالان بودیم؟! حالا فرزندانمان بزرگسالی خواهد رسید.

سبک تربیت



کمک به فعالیت‌های عملی دانش آموزان، در دسر تازه والدین

مادری که در درست کردن کار دستی استاد شده است!

حسین گل محمدی

برخی از ما ایرانی‌ها در افراط کردن در دنیا بی نظیریم. فقط کافی است چند نفر دوست و آشنا به ما بگویند فلان کار را اگر انجام دهید زندگی‌تان زیر و رو می‌شود. تمام هم و غم‌مان را روی آن کار می‌گذاریم. مثلاً یک دوست با همکار بگوید خوردن چای سبزی لاغرمان می‌کند، از فردا شروع می‌کنیم لیوان لیوان چای سبزی می‌خوریم و فکر می‌کنیم این طوری چربی‌های مان سریع‌تر آب شده و به زودی باربی خواهیم شد! در خیلی کارهای دیگر این افراط و به قول معروف شور هر چیز در آوردن را مشاهده می‌کنیم. یکی از این افراط‌ها در نظام آموزشی کشور نمود پیدا کرده که دانش آموزان را با کتاب‌های کمک درسی خفه کرده‌ایم و یکی از شاخص‌ترین آن، ماجرای جایگزینی فعالیت‌های خلاقانه و مهار تی به جای مشق و تکلیف ابتدایی هاست. اقدامی بسیار ضروری و ارزنده که به دلیل همان افراط کاری، موجب ایجاد در دسر برای بسیاری از والدین شده است.

تکلیف چه آموزشی می‌بیند؟»

واقعاً مسئولان آموزشی اگر قصد بالا بردن مهارت‌های دانش آموزان را دارند چرا از روش‌های تجربه شده کشورهای موفق در این زمینه کمک نمی‌گیرند؟ انجام فعالیت‌های مهارت‌های زندگی در همان مدرسه کافیست می‌کند نیازی نیست بیش از حد به مهارت‌های این دانش آموزان فکر کنید چون قطعاً مهارت‌های والدینشان را بالا می‌برد نه مهارت دانش آموزان را!

توجه کنید به موفقیت و پیشرفت آنها در زندگی کمک کرده‌اند. تا اینجا این تصمیم و به مرحله انجام رساندن آن بسیار هم خوب است ولی به شرطی که طبق روش و اصول صحیح آن انجام شود. مادری می‌گفت فرزند دبستانی دارد که او را بسیار گرفتار کرده است! به قدری تکالیف غیر درسی فرزندش زیاد است که کلاً روند زندگی او را دچار مشکل کرده است. او می‌گوید: «طبق روش جدید آموزش، در مدرسه فرزندم روال بر این شده که بیشتر بر روی خلاقیت و مهارت‌های دانش آموزان ابتدایی کار شود. خب این خیلی خوب است و دانش آموزان مهارت‌هایی را یاد می‌گیرند که به چه مقام و جایگاهی برسند؟ اصلاً کسب این مدارک خود استفاده کنند اما این روش تا جایی خوب است که تمام این آموزش‌ها در مدارس انجام شود و کاری برای خانه آورده نشود.» اما از آنجایی که هر کاری در کشور ما به افراط کشیده می‌شود و حال همه را بد می‌کند این روش هم حال والدین را بد کرده است. بچه‌ها معلم کار و تکلیف به این بچه‌ها می‌دهند که اصلاً وقت انجام تحقیق را پیدا نمی‌کنند. معلمان مدرسه اصلاً با هم هماهنگ نیستند و هر کدام برای خودشان تکالیفی می‌دهند که تمام وقت آنها را در خانه می‌گیرد. بنابراین برای اینکه نمره‌ای از او کم نشود مجبورم خودم کارهای غیر درسی او را انجام دهم.»

به راستی آیا این روش تدریس فایده‌ای هم دارد؟ تحقیق و پژوهش برای آموزش و یادگیری بهتر مباحث علمی است که در تمام دنیا در کنار تدریس تئوری این مباحث که معلم مدرسه برای درست کردن کار دستی تکالیف داده با قیمت‌های پنهانی امروز بخرم و بعد بیایم بنشینم و کار دستی دخترم را درست کنم یا حداقل به او کمک کنم، زیرا دخترم وقتی تکالیفش را انجام می‌دهد دیگر توانی برای درست کردن کار دستی خودش ندارد. او وقتی از مدرسه می‌آید خسته است و دیگر نمی‌تواند این کارها را ندارد. گاهی کارهایی که در مدرسه می‌خواهند از توان و استعداد بچه‌ها فراتر است و چاره‌ای نیست که ما هم باید وارد عمل شویم. دخترم گریه می‌کند و می‌گوید مامان باید کار دستنی من از همه قشنگ‌تر باشد. با این حال که خسته و بی‌حوصله است باز او را به کار می‌گیریم و بی‌حوصله است هم در درست کردن کار دستی کمک کند ولی چه فایده که چیزی متوجه نمی‌شود.

اینکه آموزش و پرورش می‌خواهد مهارت دانش آموزان را پرورش دهد خوب است ولی تمام این فعالیت‌ها باید در خود مدرسه انجام شود و هیچ کاری به خانه آورده نشود. بچه‌ها به قدر کافی در مدرسه خسته می‌شوند. وقتی به خانه برمی‌گردند دیگر جان و توانی برای انجام این‌ کارها ندارند. بالطبع وقتی کاری به عنوان تکلیف به خانه آورده می‌شود والدین برای اینکه به فرزندشان کمک کرده باشند بخشی از کار را برعهده می‌گیرند. خب این دانش آموزان را چه می‌آید؟

همراه داشته باشد.

یکی از دوستانم که زنی بسیار حساس و

پیگیر آموزش فرزندانش است همیشه نسبت به آموزش مدارس ابراز ناراحتی می‌کند و گله و شکایت دارد که اصلاً آموزش صحیح و خوبی ندارد. به همین دلیل تمام تلاشش را به کار گرفت تا پسر کوچکش را در یکی از مدارس برتر و مطرح تهران ثبت نام کند، با این قصد که از پیش‌دستانی با پایه تحصیلی قوی، تمام مقاطع تحصیلی را سپری کند اما بعد از گذشت دو سال متوجه شدم برای کلاس دوم، فرزندش را از این مدرسه بیرون آورده و در مدرسه دیگری ثبت نام کرده است. وقتی علت را از او جویا شدم گفت: «این مدرسه سبک آموزشی خاصی دارد که اصلاً مورد قبول من نیست. یکی از قوانین این مدرسه این است که دانش آموزان تکلیف و مشق در منزل ندارند. در واقع در این مدرسه، اصل بر این است که بچه‌ها باید در حین بازی و تفریح آموزش هم ببینند. به عبارتی اینجا مدرسه نیست شهر بازی است. این سبک تربیتی و آموزشی اصلاً برایم قابل قبول نیست. یعنی چه که بچه‌ها در منزل هیچ تکلیفی انجام ندهند و عاقل و باطل برای خودشان در خانه هم بازی کنند؟! به همین دلیل پسرم را از این مدرسه بیرون آورده و در مدرسه دیگری که سختگیرانه و دقیق بر آموزش علم و دانش نظارت دارند ثبت نام کردم. الان خیالم راحت است که تمام کتاب‌های کمک درسی را آموزشگاه‌های معتبر در این مدرسه تدریس می‌شود و آموزش‌های لازم و کافی را به دانش آموزان ارائه می‌دهند.»

به تعجب از این همه حساسیت و سختگیری برای یک کودک هشت ساله، به او گفتن پس تکلیف خواسته‌های کودکی فرزندت توجه کرده‌ای؟ او فقط یک کودک هشت ساله است که باید کودکی کند و از این دوران زندگی لذت ببرد. در تمام دنیا در مقطع ابتدایی هیچ سختگیری آموزشی صورت نمی‌گیرد زیرا تمام بررسی‌های کارشناسان آموزشی و همچنین روانشناسان این نکته را به اثبات رسانده است که سختگیری آموزشی و ارائه تکالیف و مشق شب در سنین کودکی نه تنها مفید و تأثیر گذار نیست بلکه از نظر جسمی خستگی و از نظر روانی بی‌حوصلگی و همچنین دلزدگی از درس و مدرسه را برای دانش آموزان به همراه دارد. حال فکرش را بکنید بسیاری از والدین با اصرار و درخواست‌های مکرر می‌خواهند مدارس ابتدایی در کنار کتاب‌های آموزش و پرورش از کتاب‌های کمک درسی نیز برای تدریس استفاده و تکالیفی را هم برای خانه مشخص کنند! این نوع آموزش شاید نتیجه خوبی در سال‌های بالاتر تحصیلی به همراه داشته باشد ولی قطعاً خستگی و افسردگی و اثرات تخریبی دیگری را برای دانش آموزان به همراه دارد. والدینی که چنین سختگیری‌هایی را به فرزندانشان خود روا می‌دارند به آفتونی که سوداگران به نظام آموزشی تزریق کرده‌اند معتاد شده‌اند و باید برای ترک اعتیاد آنان کاری کرد.